info@payamdaily.ir
پیام آشنا
نخستین روزنامه صبح البرز
شماره ۲۶۵۴
دوشنبه / ۵ آذر / ۱۴۰۳
۲۳ / جمادی الاولی / ۱۴۴۶
25 / November / 2024

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۴۴۴۴۳-۰۲۶-فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷/۸۰
چاپ: کارگر

امروز با حافظ

دیگران قرعه قسمت همه بر عیش زدند
دل غمدیده ما بود که هم بر غم زد
جانِ علِوی هوسِ چاهِ زنخدان تو داشت
دست در حلقه آن زلفِ خَم اندر خَم زد

طراوت

چو سرو هرکه به آزادگی
قناعت کرد
ز برگریز محال است بینوا
گردد
صائب تبریزی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۲۳	۰۶:۵۳	۱۱:۵۴	۱۶:۵۳	۱۷:۱۳

برگه

بزرگ‌ترین کشف نسل من این است که انسان می‌تواند با تغییر نگرش‌های ذهنی خود، زندگی‌اش را تغییر دهد...
ویلیام جیمز

گزارش روز

نسخه ایرانی برای اشتباه محاسباتی اروپا

با توجه به تجربیات گذشته باید از فضای تهدیدات لفظی عبور کرد و گوشه‌هایی از تهدیدات عملی را نیز به رخ اروپایی‌ها کشید، چرا که اروپایی‌ها نشان داده‌اند فقط زبان زور را می‌فهمند و برخلاف ژست‌هایی که می‌گیرند ارزش چندانی برای دیپلماسی و مدارا قائل نیستند

به گزارش پیام آشنا، «جام‌جم» در گزارشی چگونگی بازگرداندن کشورهای غربی از مسیر تقابل با تهران را بررسی کرده است که در ادامه می‌خوانید:
پنجشنبه گذشته اروپایی‌ها با فشار بر آژانس و اعضای شورای حکام، قطعنامه پیشنهادی خود علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را تصویب کردند. تصویب این قطعنامه در حالی صورت گرفت که از چند روز قبل گزارش‌هایی درباره تصمیم اروپایی‌ها برای این اقدام منتشر شد و ترویکای اروپا از اواسط هفته قبل با اعمال تحریم‌های جدید علیه کشتیرانی و هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به استقبال صدور این قطعنامه ضدایرانی رفت.
در چنین شرایطی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به حکم وظیفه ذاتی خود رایزنی‌های گسترده‌ای را با مدیرکل آژانس و کشورهای عضو شورای حکام درپیش گرفت و علاوه بر این رایزنی‌ها ازسوی نماینده کشورمان در آژانس، سیدعباس عراقچی، وزیر خارجه نیز شخصا در تماس‌های تلفنی با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس و همتایان خود از کشورهای غنا، رئیس شورای حکام، مصر، ارمنستان، تایلند، برزیل، آفریقای جنوبی، بنگلادش، الجزایر، بورکینافاسو، پاکستان و فرانسه ضمن یادآوری همکاری ایران با آژانس نسبت به سیاسی‌کاری این نهاد و تبعات صدور قطعنامه هشدار داد.

مهم‌ترین هشدارهای وزیر خارجه
عراقچی در گفت‌وگوهای خود چند مطلب را به صورت ویژه مورد تاکید قرار داد. نخست، صدور قطعنامه نه فقط باعث تحقق اهداف بانیان آن نخواهد شد بلکه موجب تضعیف و اختلال در فرآیندهای تعامل‌گرایانه بین آژانس و ایران می‌شود و وظایف فنی و حرفه‌ای آژانس را نیز مختل خواهد کرد. عراقچی همچنین با تاکید بر این‌که صدور قطعنامه باعث پیچیده‌تر شدن مسائل خواهد شد، هشدار داد: «در صورتی که طرف‌های مقابل بی‌توجه به حسن نیت و رویکرد تعاملی ایران، اقداماتی غیرسازنده را در نشست شورای حکام از طریق صدور قطعنامه در دستور کار قرار دهند، ایران به نحو مقتضی و متناسب پاسخ خواهد داد.»

تکرار خطای محاسباتی
با وجود هشدارهای عراقچی، کشورهای اروپایی موفق شدند با ۱۹ رای مثبت در مقابل ۱۲ رای ممتنع و سه رای منفی، قطعنامه را تصویب کنند. نکته قابل توجه این‌که رایزنی‌های گسترده عراقچی گرچه نتوانست جلوی تصویب قطعنامه را بگیرد اما آرای تعداد زیادی از کشورهایی که ممکن بود به قطعنامه رای مثبت بدهند را به ممتنع تبدیل کرد و باعث شد قطعنامه اخیر یکی از ضعیف‌ترین قطعنامه‌های شورای حکام باشد. با این حال اروپایی‌ها که بازیگران اصلی پروژه صهیونیستی علیه ایران هستند و از پیش تصمیم خود را برای کشاندن بیشتر آژانس به ورطه سیاسی گرفته بودند، توانستند تعدادی از متحدان نزدیک خود را برای دادن رای مثبت، قانع کنند. این رویکرد ترویکای اروپا نشان داد این کشورها از گذشته درس نگرفته‌اند و بر همین اساس بار دیگر دچار خطای محاسباتی شده‌اند. این خطای محاسباتی قطعا باعث پیچیده‌تر شدن شرایط خواهد شد و اروپایی‌ها یکی از بازندگان این ماجرا خواهند بود. ولی معادلات حاکم بر کشورهای اروپایی و مناسبات آنها با رژیم صهیونیستی و آمریکا باعث شده با وجود تجربیات گذشته در این زمینه و واضح بودن تبعات این اقدام برای ترویکای اروپا، باز هم به سمت صدور قطعنامه علیه ایران بروند. در چنین شرایطی که اروپایی‌ها به فکر سود و زیان خود نیستند به نظر می‌رسد این ایران است که باید هزینه‌های اینگونه اقدامات اروپا را آنقدر بالا ببرد که آنها را وادار به تغییر رویکرد کند و شرایط را به گونه‌ای رقم بزند که نظام محاسباتی این کشورها در خصوص جمهوری اسلامی ایران عوض شود و با تردید بیشتری نسبت به انجام اقدامات خصمانه از جمله صدور قطعنامه علیه تهران رفتار کنند

تغییر ادبیات ایران
طبیعتا در مورد صدور قطعنامه ضدایرانی در بحث هسته‌ای نهادهای مختلفی مسئولیت تغییر نگرش اروپایی‌ها را بر عهده دارند که اصلی‌ترین آنها وزارت خارجه و سازمان انرژی اتمی هستند بر همین اساس بلافاصله پس از صدور قطعنامه این دو نهاد کشورمان با صدور بیانیه‌ای نسبت به صدور قطعنامه واکنش نشان دادند و رئیس سازمان انرژی اتمی هم دستور راه‌اندازی مجموعه قابل توجهی از سانتریفیوژهای جدید را صادر کرد اما به نظر می‌رسد تغییر رویکرد اروپایی‌ها در این مقطع نیازمند اقداماتی شدیدتر و متفاوت‌تر از آن چیزی است که درگذشته اتفاق افتاده است. از مواضع برخی مقامات وزارت خارجه و سازمان انرژی اتمی نیز این گونه بر می‌آید که چنین موارد شدیدی هم در سبد پاسخ تهران گنجانده شده و اگرچه ممکن است به دلیل پرهیز از تنش‌زایی، به صورت علنی اعلام نشود اما قطعا در تعاملات دوجانبه و چندجانبه ایران با کشورهای اروپایی به آنها گوشزد شده است. ازجمله این اقدامات که باید بیش از گذشته درباره آن به اروپایی‌ها هشدار داد بحث خروج از ان‌پی‌تی است که کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزارت خارجه صراحتا درباره آن به غربی‌ها هشدار داد و گفت پاسخ قطعی ایران به فعال شدن مکانیسم ماشه از سوی اروپایی‌ها خروج از ان‌پی‌تی خواهد بود.
بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی هم در گفت‌وگو با یکی از بخش‌های خبری سیما گفت: همان‌طور که ایران به دنبال راه‌حل‌های تعاملی است به همان اندازه هم آماده است روش‌های دیگری را اتخاذ و دنبال کند. این مواضع صریح نشان می‌دهد دستگاه دیپلماسی و سایر تصمیم‌گیران در موضوع برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان برای برهم زدن خطای محاسباتی غرب هماهنگ هستند اما با توجه به تجربیات گذشته باید از فضای تهدیدات لفظی عبور کرد و گوشه‌هایی از تهدیدات عملی را نیز به رخ اروپایی‌ها کشید، چرا که اروپایی‌ها نشان داده‌اند فقط زبان زور را می‌فهمند و برخلاف ژست‌هایی که می‌گیرند ارزش چندانی برای دیپلماسی و مدارا قائل نیستند

اشاره

از جمعه سیاه تا سیاه‌بازی جمعه!

چرا بلک فرایدی در ایران به یک ناهنجاری فرهنگی تبدیل شده است؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از وطن امروز، اگر خلاصه‌وار چند فریم از مسائل اجتماعی غرب را به عنوان دستاورد جهان مصرف‌گرا در نظر بگیریم، شاید در کنار تمام فلسفه‌های در هم پیچیده جهان مدرن، موضوع «بلک فرایدی/ Black Friday» یا «جمعه سیاه» که به آخرین جمعه ماه نوامبر اطلاق می‌شود، بیش از هر کنش‌ورزی اجتماعی غربی نمایان شود. بنا بر برخی اطلاعات رسمی نخستین بار اصطلاح «بلک فرایدی» در فیلادلفیای آمریکا (دهه ۵۰ میلادی) در میانه بازی فوتبال آمریکایی ۲ تیم داخلی در ایالات متحده وارد رسانه‌ها شد، لذا اساس استفاده از واژه «جمعه سیاه» نه بر اساس هویت اقتصادی آن، بلکه به خاطر یک بلوای اجتماعی حاصل از یک مسابقه فوتبال آمریکایی و فروش بلیت این بازی شکل گرفت. ابتدای دهه ۸۰ این اصطلاح وارد کسب و کارهای کوچک شد و در نهایت با ظهور اینترنت و فراگیر شدن آن در دهه ۹۰ میلادی به یک سُنت آمریکایی بدل شد. این فرآیند نامگذاری برای فروش تخفیف‌دار اینترنتی ابتدا به ساکن معطوف به پدیده «سایبر ماندی/ Cyber Monday» بود که در نخستین دوشنبه بعد از بلک فرایدی شکل گرفت اما پس از قدرت گرفتن فروشگاه‌هایی مانند «آمازون»، پدیده سایبر ماندی، بلک فرایدی را نیز تصاحب کرد و امروز هویت اصلی جمعه سیاه دیگر به فروش اینترنتی محصولات تخفیف‌دار معطوف شده است.
در این میان نزدیک یک دهه است که این میهمان عاریه‌ای در ایران، با توجه به گسترش فزاینده فروشگاه‌های اینترنتی مانند هر پدیده دیگری ایرانیزه شده و این مفهوم برساخته در جهان آن سوی آب‌های آزاد، این بار در پهنه سرزمین ایران و در ابعادی بزرگ‌تر، در میان کشورهای شرقی و به طور خاص ملت‌های مسلمان با شکل و آذین‌بندی‌های رنگارنگی در حال مفهوم‌سازی‌های معطوف به مدل غربی خود است.
مبتکران این جمعه خاص در غرب پیش از آنکه به دنبال فروش مصرف‌گرایانه محصولات به مردم باشند، سعی داشتند از این طریق امکان دسترسی بیشتر و بهتر اقشار آسیب‌دیده به مایحتاج مرتبط با کریسمس را فراهم کنند؛ موضوعی که اصل و اساس این دعوت عمومی بود. در واقع هدف، بهره‌مندی «تمام گروه‌ها» از لذت‌های حاصل از داشتن یا مصرف کالای جدید و فصلی برای دسامبر و ژانویه بود. این موضوع به نوعی یک ایده سازنده در کاهش شکاف‌های به‌وجودآمده در جوامع لیبرال بوده که در یک چرخه مالی مثبت دوطرفه، تولیدکننده و مصرف‌کننده در یک وضعیت «پیروزی مشترک» قرار می‌گیرند. از تخفیفات مربوط به وسایل و ادوات درخت کاج زمستانی، تا بوقلمون جشن شکرگزاری و هدیه‌های خانوادگی که عموما پدران و مادران به فرزندان خود (البته به نام بابانوئل) اهدا می‌کنند.
به شکل کلی مباحثه میان ۲ موضوع «الگوبرداری صحیح» یا «ترویج فرهنگ غربی/ صرف‌گرایی» همواره در قبال موضوع «جمعه سیاه در ایران» مطرح بوده است. عده‌ای بر این باورند اساسا حضور بدون مطالعه و کپی‌برداری‌های ناشیانه از پدیده‌های فرهنگی – اجتماعی غربی در ایران، نتایجی مغایر با فرهنگ ملی و دینی داشته و جامعه را از باورهایی که اساسا قدمت کهن‌تری داشته منحرف می‌کند اما در آن سو گروهی معتقدند این نوع پدیده‌ها در صورتی که اگر تشابهاتی هر چند اندک با آموزه‌های ملی – دینی داشته باشند، توانایی برخی تغییرات و استفاده بهینه‌تر را دارند (فارغ از خاستگاه آن پدیده). در نقد هر ۲ باید اذعان کرد روش‌های پیش گرفته در ایران بیش از اینکه به دغدغه اجتماعی این دو گروه معطوف باشد، بر اساس خواست سرمایه‌گذار و ابرشرکت‌های اقتصادی فروش اینترنتی شکل گرفته است. به نوعی این شرکت‌ها تنها با ابزارسازی از پدیده «جمعه سیاه»، «کریسمس»، «ولنتاین» و... درصدد فروش اجناس گاه بُنجل – مناسبتی خود هستند. شاید در نگاه کلی چرخه اقتصادی ایجادشده بتواند گره کوچکی از برخی مسائل معیشتی یا تولید ناخالص (در برخی موارد) باز کند اما اساسا سود ناشی از استفاده ابزاری از این پدیده سرریز حساب‌های بانکی فروشگاه‌های بزرگ یا میانی می‌شود. حتی در وهله دیگر برخی فروشگاه‌ها که نه محصولاتشان مناسبتی بوده و نه مرتبط با نیاز مردم، به بهانه «جمعه سیاه» دست به تخفیفات غیرواقعی می‌زنند. در همین بار مطالعات نگارنده نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از تخفیفات لحاظ شده در فروشگاه‌های اینترنتی معتبر کاذب بوده و طراحان این تراژدی عمومی، با بالاتر نشان دادن قیمت اولیه محصول، تخفیف گاه تا ۷۰ درصدی خود را مکارانه به مخاطب القا می‌کنند. حال آنکه تخفیف لحاظ شده حتی به عدد ۵ درصد هم نمی‌رسد و این موضوع درست همان پاشنه آشیل ایرانیزه‌سازی بدون فکر، مصرف‌گرا و منفعت‌جوی داخلی نسبت به یک پدیده اجتماعی کارآمد برای جامعه غربی منتظر کریسمس است. این نوع رفتار علاوه بر اینکه بر قوه مصرف‌گرایی عمومی می‌افزاید، جامعه را به خریدهای اینترنتی بیش از اندازه وابسته کرده و در نهایت، خرده کسب و کارهای غیراینترنتی را به ورطه نابودی خواهد کشاند؛ موضوعی که به تبدیل شدن بازار خرید و فروش به یک بازار انحصاری و تحت اسارت غول‌های فروش اینترنتی خواهد انجامید. فارغ از موضوع یادشده، این بحث آثار سوئی نیز در موضوع «اعتماد عمومی به فروشگاه‌های اینترنتی» به بار می‌آورد. در همین باره تحقیقی داخلی اما قدیمی از میزان تخفیفات واقعی یکی از فروشگاه‌های معتبر اینترنتی (دک) که به وسیله رسانه ملی تهیه شده بود نشان می‌داد بخش عمده تخفیفات جمعه سیاه آن، در وضعیت کاذب و غیرواقعی بوده است. این موضوع نشان می‌دهد در آینده با تکرار این فرآیند غیرواقعی، اعتماد عمومی به خرید اینترنتی و تخفیفات آن (که یکی از اجزای دیجیتال مارکتینگ بوده) کاسته خواهد شد و این موضوع خود نوعی آسیب جدی خواهد بود. با تمام این تفاسیر باید در نظر گرفت ایجاد فضای کاهش طبقاتی در موضوع «قدرت خرید دهک‌های پایین جامعه» اگرچه یک آموزه اجتماعی پسندیده است اما باید آن را با نیاز جامعه ایرانی تطبیق داد. خرید اجناس بدون ارتباط با روند زندگی ایرانی آن هم در این موقع از سال که نشانه‌گذاری فرهنگی - اجتماعی مانند آغاز مدارس، ماه رمضان، عید نوروز، حتی تعطیلات تابستانی و... نیست، بیش از آنکه گره‌گشا باشد، تبدیل به یک حسرت ساله میان گروه‌های آسیب‌پذیر خواهد شد. به نوعی فروشگاه‌های اینترنتی با تغییر تقویمی و اصلاح رفتار کاسبکارانه خود می‌توانند فرصت مراسمات مذهبی و ملی را به یک همنشینی اقتصادی - اجتماعی در جهت رفع برخی ناترازی‌های طبقاتی تغییر دهند. این فرصت بیش از هر زمانی در روزهای منتهی به جشن عید نوروز قابل لمس است تا جایی که ۲ پدیده کمرنگ شده این سال‌ها [جشن نیکوکاری- جشن عاطفه ها] حاصل از این طرز نگاه مترقی بوده است. از این رو فارغ از ادعای «تهاجم فرهنگی» باید عنوان کرد برگزاری «بلک فرایدهای تقلبی» توسط فروشگاه‌های اینترنتی داخلی بیشتر به یک «شبیخون اقتصادی» بدل شده و هویت اصلی رسوم نیکوکارانه، پیشرفت‌دهنده و ضد تبعیض را از بین خواهد برد.
در مجموع یکی از پیشنهادات مهم این است که فروشگاه‌های اینترنتی به جای تقلید صرف از الگوهای غربی، رویکردی مبتنی بر نیازهای واقعی جامعه ایرانی را اتخاذ کنند. این امر می‌تواند شامل ارائه تخفیف‌های واقعی و مرتبط با نیازهای روزمره مردم باشد، به طوری که این تخفیف‌ها در زمان‌های خاصی از سال، مانند جشن‌های ملی و مذهبی ارائه شوند. برای مثال، برگزاری تخفیف‌های ویژه در ایام نزدیک به نوروز یا ماه رمضان می‌تواند به تقویت روح همبستگی اجتماعی و نیکوکاری کمک کند و از این طریق، فرهنگ خرید را به سمت مثبت‌تری هدایت کند.
علاوه بر این، باید به اهمیت آموزش مصرف‌کنندگان نیز توجه شود. آگاهی‌بخشی درباره چگونگی انتخاب کالاها و تشخیص تخفیف‌های واقعی از کاذب می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به فروشگاه‌های اینترنتی کمک کند. این آموزش‌ها می‌توانند از طریق رسانه‌های اجتماعی و کمپین‌های تبلیغاتی موثر انجام شود.
در نهایت باید اذعان کرد «بلک فرایدی» در ایران، اگر بدرستی مدیریت شود، می‌تواند فرصتی برای تقویت اقتصاد محلی و ایجاد فضایی سالم برای خرید باشد اما در صورتی که به صورت ابزاری و ناپخته ادامه یابد، تنها به افزایش وابستگی به مصرف‌گرایی و تضعیف ارزش‌های فرهنگی منجر خواهد شد، بنابراین نیاز به یک رویکرد متوازن و هوشمندانه در مواجهه با این پدیده احساس می‌شود، به طوری که هم به نیازهای اقتصادی پاسخ داده شود و هم فرهنگ و هویت ملی حفظ شود.

مکث

فضای مجازی، فضای تبادل علمی و اقتصادی است نمی‌شود فقط دید منفی داشت

فضای مجازی، فضایی برای تبادل علمی، داد و ستد اقتصادی و توسعه کسب و کارهای آنلاین هم هست. نمیشود فضای مجازی را فقط منفی نگاه کرد. سوءاستفاده در هر فضایی رخ می‌دهد، اما آیا تعطیل می‌شود؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از فرارو، سال‌هاست که گره کور فیلترینگ بر بسیاری از وب سایت ها، پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌ها در فضای مجازی سایه انداخته است. این گره کور در دولت‌های مختلف مورد نقد قرار گرفته است و اکنون در دولت چهاردهم، انتظاراتی برای رفع آن به وجود آمده است؛ انتظاراتی که شاید ریشه آن به وعده‌های رئیس جمهور در خصوص فضای مجازی باز می‌گردد.
ستار هاشمی، وزیر ارتباطات اخیرا گفته است: «رفع فیلترینگ در دستور کار و اقدام دولت است. نگاه ما در دولت چهاردهم، توسعه دیپلماسی فناوری است؛ به این معنا که بتوانیم از ظرفیت جوان‌های توانمند و خلاق کشور برای توسعه خدمات به کشورهای مختلف استفاده کنیم.» اگرچه این سخنان هاشمی، امیدبخش به نظر می‌رسد، اما با گذشت بیش از یکصد روز از آغاز به کار دولت چهاردهم، برخی کارشناسان معتقدند، حل مسئله فیلترینگ به همت و سرعت بیشتری نیازمند است.
با توجه به این شرایط پرسش‌هایی درباره علل ادامه دار شدن فیلترینگ و لزوم رفع این مسئله مطرح است. محمدتقی فاضل میبدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم به این پرسش‌ها پاسخ داده است:

بگیر و ببند فیلترینگ هیچ کجای دنیا جواب نمی‌دهد
محمدتقی فاضل میبدی به فرارو گفت: «بستن فضای آزاد مجازی کاری مغایر با عقل و فکر است. ممکن است انسان‌ها در هر رشته و موضوع فکری با خلاف‌هایی روبه رو شوند، اما این به مفهوم لزوم و ضرورت قطع یک جریان یا لزوم بسته شدن این جریان نیست. در یک کارخانه قالی بافی ممکن است از هر ۱۰۰ قالی یک قالی هم اشتباه بافته شود و نقصی داشته باشد. اما به خاطر آن یک قالی باید کل کارخانه را تعطیل کرد؟ اتفاقا برعکس، باید روی بهبود مدیریت تمرکز کرد. باید دید آیا از ابتدا از مسیر انحرافی رفته‌ایم یا خیر. حقیقت این است که این نوع رفتارهای بگیر و ببند در هیچ کجای جهان جواب نمی‌دهد. آیا این کار درستی است که عده‌ای برای عبور از فیلترینگ و به اصطلاح فیلتر شکستن، شروع به فروش فیلترشکن کرده و سود کلانی هم از سرمایه‌های مردم به جیب بزنند؟ با این رفتارها که مشکل مملکت حل نمی‌شود. من معتقدم فیلترشکن‌ها به جز بدنامی برای نظام تصمیم گیر ندارد.»
وی افزود: «آقای پزشکیان در ملورهای تبلیغات انتخاباتی خود قول داده بود مسئله فیلترینگ را حل می‌کند و اگر نتواند این کار را انجام دهد، به اعتقاد من به بدقولی بدی دچار شده است. همه آنانی که با رفع فیلترینگ مخالفت می‌کنند دغدغه‌های شخصی دارند، نه مذهبی و اعتقادی و نه حتی ملی. اگر این‌ها دغدغه‌مند بودند، اتفاقا اجازه می‌دادند جریان تفکر آزاد در همین فضای مجازی وجود داشته باشد. استفاده آزاد از فضای اینترنت مساوی است با ارتباط با دنیا. بستن مجازی و فیلترینگ دقیقا مثل بستن جریان اقتصاد کشور و ممانعت در مسیر FATF است. برخی می‌خواهند ارتباط ایران را با جهان خارج قطع کنند و این قطع ارتباط چه در فضای اقتصادی و چه در فضای مجازی، به یک اندازه آسیب‌زا است. من به شدت مخالف ادامه فیلترینگ فضای مجازی هستم. من منکر این موضوع نیستم که در هر کاری، امکان سوءاستفاده وجود دارد و فقط به فضای مجازی محدود نمی‌شود. اما بستن این فضا، چاره کار نیست.»

فقر، گرسنگی و نادانی خطرناک است، نه فضای مجازی
عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم در ادامه گفت: «آن‌هایی که می‌گویند فضای مجازی باعث می‌شود جوان‌ها به انحراف کشیده شوند، از اساس حرف نادرستی می‌زنند. هزاران عامل برای به انحراف کشیده شدن جوان‌ها وجود دارد که بعضا نادیده انگاشته می‌شود. مملکتی که اقتصادی ناسالم دارد، مملکتی که با تورم به شدت بالا درگیر است و جوان در این مملکت نمی‌تواند با سال‌های سال کار کردن هم صاحب خانه و ماشین شود، چطور می‌تواند فضای مجازی را مقصر انحراف جوان‌ها معرفی کند؟ همین موانع اقتصادی، می‌تواند عاملی باشد برای به انحراف کشیده شدن جوان ها. آن قدر که یاس و ناامیدی اقتصادی و عدم شرایط رفاه در به انحراف کشیده شدن جوانان موثر است، فضای مجازی نیست. قول دادن به مردم و انجام ندادن، وعده دادن به مردم و محقق نکردن، از مصادیق ایجاد انحراف در جامعه است. بله، ممکن است عده‌ای در فضای مجازی تولید فساد و انحراف کنند. اما به هر حال این فضای مجازی، فضایی برای تبادل علمی، داد و ستد اقتصادی و توسعه کسب و کارهای آنلاین هم هست. نمیشود فضای مجازی را فقط منفی نگاه کرد. سوءاستفاده در هر فضایی رخ می‌دهد، اما آیا تعطیل می‌شود؟ مگر در جاده‌های کشور تصادف رخ نمی‌دهد؟ مگر خودروهای داخل کشور عامل تصادفات و بعضا مرگ نیستند؟ آیا کارخانه‌ها و جاده‌ها را تعطیل کرده‌ایم؟ میزان تلفات جاده‌های کشور ما چندین برابر فضای مجازی است، اما چرا در نمی‌یابیم؟»
وی افزود: «آقای پزشکیان درباره فضای مجازی قول داده و باید سر قول خود بایستد. اگر محکم سر حرف‌های خود بایستد، می‌تواند موفق باشد. درباره لایحه حجاب نیز همین است. البته در بحث حجاب و فشارهای این حوزه تا حدودی در دولت چهاردهم شاهد تغییراتی هستیم، اما درباره فضای مجازی نیز انتظار می‌رود وعده آزادسازی فضای مجازی محقق شود. این که وضعیت فضای مجازی به شکل کج دار و مریز نگه داشته شده درست نیست. خود آقای پزشکیان این انتظار را ایجاد کرده است که فضای مجازی از شر فیلترینگ رها می‌شود. سوال مهم این است که اصلا مگر اکنون که این فضا فیلتر است، مردم از این فضا استفاده نمی‌کنند؟ روی گوشی همه از پیر تا جوان و کودک، انواع فیلتر شکن نصب است و افراد محتوای فیلتر شده را نگاه می‌کنند. پس این فیلترینگ دقیقا چه سودی دارد؟ تنها سود عظیم به جیب کاسبان فیلترینگ می‌رود. متاسفانه برخی افراد تندرو در کشور ما هستند که نه دین خدا را به درستی می‌شناسند و نه منافع ملی را. این گروه به جز ضربه به کشور نمی‌زنند و در برابر هر جریانی که از خود ندانند ایستادگی و مخالفت می‌کنند. برای این گروه فرقی نمی‌کند که با برجام مخالفت کنند یا به سفارتخانه‌ها حمله کنند. به همین دلیل است که از آقای پزشکیان انتظار می‌رود عزتمندانه در همه حوزه‌ها پایمردی داشته باشد و از توافق با غرب تا رفع فیلترینگ را ادامه دهد. عزت ایرانیان در توسعه اجتماعی و اقتصادی است و رای دهندگان به آقای پزشکیان نیز همین عزتمندی را می‌خواهند. فقر، گرسنگی و نادانی خطرناک است، نه فضای مجازی. دین اسلام نیز بر عزت مندی مسلمانان تاکید دارد.»

دیدگاه

چک سفید امضای چین به ایران؟

ایران، چین و روسیه سه کشور نزدیک به یکدیگرند که حاضر به پذیرش نظم دیکته شده برای اداره جهان از سوی غرب به رهبری آمریکا نیستند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از آرمان ملی، عدم پذیرش دیکته غرب در مناسبات سیاسی، اقتصادی موجب شده هر سه کشور از سوی آمریکا تحت فشار قرار گرفته تا نتوانند بلوکی جدید در معادلات امنیتی-اقتصادی جهان ایجاد کنند. در این میان روابط چین و ایران با توجه به اینکه پکن تنها خریدار نفت تهران است و در برابر آن نیازهای ایران را به‌صورت کالا تأمین می‌کند، حائز اهمیت است.

چین و تحریم‌ها
هرچند تهران تلاش دارد روابط خود را با تمامی کشورهای جهان گسترش دهد اما واقعیت آن است که سیاست نگاه به شرق باعث شده هم ایران تمایل زیادی به شرق پیدا کند و هم اینکه غربی‌ها و خصوصا اروپایی‌ها به دلایل مختلف از جمله موانع توسعه رابطه با ایران که یکی از آن‌ها تحریم‌های آمریکاست، مانند گذشته تمایلی به گسترش روابط نداشته باشند. اینکه چرا ایران تمایل دارد که در نبود زمینه توسعه روابط با غرب به سمت توسعه روابط با شرق خصوصا چین حرکت کند، به این مساله باز می‌گردد که چین در برابر خرید نفت ایران شرایط خاصی را در تبادلات تجاری ایجاد کرده که عملا بدون اینکه داد و ستدی بر پایه دلار صورت گیرد، نفت ایران را خریداری کرده و در برابر آن کالاهای مورد نیاز ایران را تأمین می‌کنند. موردی که توانسته بخش قابل توجهی از فشار تحریم‌ها علیه ایران را از میان بردارد. از این منظر می‌توان گفت چین فشار ناشی از تحریم‌ها را تا حد زیادی کم کرده است.

چین و سرمایه‌گذاری
از سوی دیگر بعد از برجام شنیده شد که چین قصد دارد حدود ۴۰۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کند. اگر این سرمایه‌گذاری ممکن می‌شد بدون تردید به نوسازی بسیاری از صنایع نفت و گاز و پتروشیمی منجر می‌شد. هرچند چینی‌ها تمایل زیادی برای توسعه روابط اقتصادی خود با ایران دارند اما به دلایلی از جمله تحریم سیستم بانکی ایران عملاً نمی‌توانند گام موثری در این زمینه بردارند حجم واردات نفت از ایران توسط چین در حدی نیست که چین بتواند در برابر میزان پول بلوکه‌شده اقدام به سرمایه‌گذاری در ایران کند لذا حتی اگر تحریم‌ها را نادیده بگیریم چین به‌منظور توسعه روابط اقتصادی خود با ایران نیاز به وارد کردن سرمایه به داخل کشور ما دارد که به خاطر عدم پذیرش FATF چنین اقدامی اگر نگوییم غیر ممکن، بسیار سخت و پرهزینه خواهد بود. از این رو همیشه چین به ایران توصیه کرده که FATF را بپذیرد.

چین در کنار ایران
با این جود به نظر می‌رسد چینی‌ها بیش از روس‌ها در شرایط کنونی که امکان افزایش فشار بر ایران با روی کار آمدن ترامپ وجود دارد، خود را در کنار ایران قرار داده‌اند. اخیرا سفیر چین در ایران در ارتباط با روابط دو کشور اعلام کرده است: «چین به تعمیق همکاری با ایران در چارچوب «کمربند و جاده» اهمیت زیادی قائل است. چین و ایران از روابط عمیق و چشم‌اندازهای روشن همکاری‌های عملی برخوردارند. چین و ایران به‌عنوان دو تمدن باستانی، از زمان‌های قدیم از طریق جاده ابریشم ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر داشته‌اند. شی جین پینگ در ملاقات با پزشکیان رئیس‌جمهور ایران در حاشیه اجلاس سران بریکس در سال جاری اشاره کرد که ایران کشوری مهم و دارای تأثیر منطقه‌ای و بین‌المللی است، همچنین دوست و شریک خوب چین است. هر طور که وضعیت بین‌المللی و منطقه‌ای تغییر یابد، چین همواره به‌طور تزلزل‌ناپذیری همکاری‌های دوستانه خود با ایران را توسعه می‌دهد.»

چک سفید امضا؟
واقعیت آن است که چینی‌ها حتی اگر قائل به روابط استراتژیک با ایران هم نباشند اما به دلایلی از جمله خرید نفت از ایران و فروش کالاهای تجاری خود به ایران تمایل دارند با کشور ما روابط خود را گسترش دهند اما این در معنای صدور چک سفیر امضا از سوی چینی‌ها برای ایران در توسعه روابط نیست و ایران باید تلاش کند هرچه زودتر نرم‌های تجارت در جهان از جمله عضویت در FATF و شفافیت در اقتصاد را فراهم کند تا چینی‌ها بتوانند در یک روند معمولی جای خالی اروپایی‌ها در سرمایه‌گذاری در ایران را پر کنند